

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبداللطیف صدیقی للندری
کانادا - ۱۵ جنوری ۲۰۱۰

رقص مرده

یادی از قساوتهای شقاوت خیز تنظیم ها در کابل

چو می بینم به هر سو ناله های زار طفلان است
نفس در سینه ها تنگ و سرشک غم به چشمان است
ازین حال و ازین روزی که من دارم
وزین گریه بگردد کور هر دو چشمانم
چه گویم از دل پر حسرت و این قلب لرزانم
دل در خون همی جوشد
مگر قاتل نمی نیوشد

خدایا منزل مقصود من فرسنگ ها دور است
زمین و آسمان بی نور و چشم غاصبان کور است
به داش خشت پخته سوختن بیچاره انسان ها
به بند کُنده بستن ها
به دیوار آویختن ها
صدای مادری که در عزای طفلکان زار و رنجورش
نگاهی افگند باری به سوی کلبه تاری و بی نورش
بریدن جفت پستان زنان و دختران

پاک و معصوم و حیرانش
به گوشش میرسد از دور زنگ ناامیدی ها
نباشد راه دیگر جز دهد تن
از برای مرگ طفلانش
ز دیده خون همی ریزد
ز خشم و غصه می لرزد
نباشد هیچ امید نجاتی زین همه بیچارگی ها
به سوی آسمان او دست لرزان میکند بالا
به داش خشت پخته سوختن بیچارگان یکجا
به دیگ داغ روغن سوختاندن گردن و سرها
به چشم فتنه گر نظاره آن رقص مرده ، رقص مردن ها
به کیلو میخ کوبیدن به فرق و کاسه سرها
به تیغ و کارد و خنجرها
ببر از یاد دیگر هموطن
از یاد میبر!!! فراموش کن!!!
دگر آن داستان جمله نازی ها
و آن بیداد هیتلرها
و یا آن وحشت چنگیز و نمرود و هلاکوها
و یا آن استم و بیداد وحشتزای آن خونخواره "یک پا"
نفس در سینه مادر چو مرغ بسملی از ظلم
صیاد در تپیدن شد
نفس ها سوخته
دلها فسرده
چو می بیند همه برباد رفته از فشار فتنه شیطان
وزین افراد خون آشام
طنین ناله و فریاد آخر در دلش پیچید
ز لب هایش دگر آن های و هوی مادری خشکید